

واژگان درس اول کتاب زبان دوازدهم – صفحه ۱

a dedicated physician	از دست کسی عصبانی بودن	Caspian Sea	دریای خزر		
یک پزشک متعهد / ایثارگر	be born	متولد شدن	catch	گرفتن	
a little later	مدتی بعدتر	be called	نامیده شدن	chess	شطرنج
a lot (adv)	مقدار زیاد	be founded by	تاسیس شدن توسط	chicken	مرغ، جوجه
a sense of belonging	احساس تعلق و وابستگی	be grateful	ممنون بودن	childhood	دوران کودکی
a sense of identity	احساس هویت	be hard of hearing	مشکل شنوایی داشتن	choice	انتخاب، گزینه
a set of	مجموعه ای از	be proud of	افتخار کردن به	close friend	دوست صمیمی
abroad	خارج کشور	be remembered	به یاد ماندن	collection	مجموعه
accidentally	به طور اتفاقی	be sure about	مطمئن بودن از	collocation	هم آیی کلمات با هم
active voice	جمله معلوم	be well	سالم بودن	combination	ترکیب
actually	واقعاً	be worthy	ارزش داشتن	come back	برگشتن
advice	نصیحت، توصیه	behavior	رفتار، منبش	comfortable	راحت، آسوده خاطر
after a few minutes	بعد از چند دقیقه	blank	جای خالی، سفید	common	معمول، رایج، مشترک
after a little while	بعد از مدتی	blood pressure	فشار خون	complete	کامل کردن
again and again	بارها و بارها، مکرراً	boost	تقویت کردن، زیاد کردن	compound sentence	جمله ی مرکب
agreement	توافق	boring	کسب کننده	comprehension	درک مطلب
airplane	هواپیما	brain	مغز	confirm	تایید کردن
all the time	تمام مدت	break	شکستن، استراحت	connecting word	کلمه ی ربط
along with	همراه با	bring	آوردن	contrast	تقابل، تضاد
aloud	با صدای بلند	bring up	پرورش یافتن	countless	بی شمار، زیاد
antonym	متضاد، مخالف	burst	ترکیدن، منفجر شدن	cousin	دخترعمو، پسرعمو...
appreciation	قدردانی، تشکر	burst into tears	اشک را سرازیر کردن	create	خلق کردن، ساختن
appropriate	مناسب، شایسته	busy	مشغول، سرگرم	cruel	بی رحم، ظالم
around the world	اطراف جهان	butter	کره	cry	گریه کردن
as	مثل، به عنوان، چون، وقتی که	by accident	به طور اتفاقی	culture	فرهنگ
as well	همچنین	by heart	از حفظ	cure	درمان، درمان کردن
at all	اصلاً، ابداً	by the way	ضمناً، راستی	dear	عزیز، گرامی
at least	حداقل	cage	قفس	dedicate	وقف کردن، تخصیص دادن
attempt	تلاش کردن، کوشش	calmly	به آرامی	definition	تعریف کلمه
author	نویسنده، مؤلف	camera	دوربین	description	توصیف، تشریح
babysitting	پرستاری از بچه	cancer	سرطان	deserve	استحقاق داشتن
bacteria	باکتری ها	care for	مراقبت کردن، اهمیت دادن	develop	گسترش/ تکامل دادن
be angry at / with		careful	مراقب، متوجه، محتاط	diary	خاطرات روزانه
		carry	حمل کردن، بردن		

واژگان درس اول کتاب زبان دوازدهم - صفحه ۲

difference	اختلاف، تفاوت	feeling	حس ، احساس	heritage	میراث، ارث
diploma	دیپلم، گواهینامه	fill in	پر کردن، کامل کردن	history	تاریخ
discover	کشف کردن	fix	تعمیر کردن	Holy	مقدس ، عزیز
disease	بیماری	flu	آنفلوآنزا	homeland	وطن، سرزمین مادری
dish	غذا، ظرف، بشقاب	following	زیر ، ذیل	homework	تکلیف منزل
dishwasher	ماشین ظرف شویی	for instance	به طور مثال	hope	امید، امید وار بودن
distinguished	برجسته، شاخص، مشهور	forgive	بخشیدن، عفو کردن	hopefully	امیدوارانه، خوشبختانه
do exercise	ورزش کردن	found	بنیان گذاری کردن	hospital	بیمارستان
doer	انجام دهنده، فاعل	fridge	یخچال	housewife	کدبانو، خانم خانه
donate	وقف کردن، اختصاص دادن	friendly	دوستانه، صمیمانه	hug	در آغوش گرفتن، بغل کردن
draw	کشیدن، رسم کردن	function	نقش ، کارکرد، وظیفه	hungry	گرسنه
dress	لباس زنانه	future	آینده	important	مهم
during	در طی ، در طول	gazelle	غزال	importantly	به طور مهمی
duty	وظیفه ، تکلیف	generate	تولید کردن	improve	بهبود بخشیدن
each other	یکدیگر	generation	تولید ، نسل	in a quiet way	به طور آرامی
each time	هر بار	generous	بخشنده، سخاوتمند	including	شامل ، از جمله ، مثل
early	اولیه، زود	get better	بهبتر شدن	increase	افزایش یافتن
either ...or	یا این یا آن	go to sb	پیش کسی رفتن	inform	اطلاع دادن
elder	بزرگتر	go together	با هم آمدن	inspiration	الهام
elderly	مسن	grandchildren	نوه ها	install	نصب کردن
elicit	استخراج کردن، گرفتن	grandfather	پدر بزرگ	interestingly	به طور جالبی
emotion	احساس	great man	مرد برجسته ، بزرگمرد	invent	اختراع کردن
end in	منتهی شدن	grow old	بزرگ شدن	inventor	مخترع
enjoy	لذت بردن	guess	حدس زدن	It's a pity!	جای تاسف!
enjoyable	لذت بخش	guideline	راهنما ، راهبرد	just	درست، دقیق، الان، فقط
enough	کافی ، بس	handle things	اوضاع را مدیریت کردن	keep a diary	خاطره نویسی کردن
ethics	اخلاق، مبانی اخلاقی	happen	اتفاق افتادن	keep asking	مدام سوال کردن
expensive	گران	hard of hearing	کم شنوا	kid	کودک، بچه
experiment	آزمایش	hate	متنفر بودن	kill	کشتن
failure	ناکامی ، شکست	health	سلامتی، بهداشت	kind	نوع ، مهربان
family member	عضو خانواده	health condition	وضعیت سلامتی / بهداشتی	kindly	با مهربانی
famous	مشهور ، نامی	heavy rain	باران شدید	kindness	مهربانی ، لطف
feed	غذا دادن	help	کمک کردن	kiss	بوسیدن
feel happy for	احساس خوشحالی برای	helpful	مفید ، سودمند	kitchen	آشپزخانه
feel honored	احساس احترام کردن	hence	بنابر این	known	معروف، نامی

واژگان درس اول کتاب زبان دوازدهم - صفحه ۳

lack	نبود، فقدان، کمبود	از طرف دیگر	pronoun	ضمیر
lap	روی زانو، دامن	on their own	protect	محافظت کردن
later	بعداً	once	provide	فراهم کردن
lazy	تنبل	only	provided by	تهیه شده توسط
leave	ترک کردن، رفتن	or	quantity	مقدار
library	کتابخانه	orally	quiet	آرام، ساکت
light bulb	لامپ برق	order	quietly	به طور آرامی
like (prep)	مثل	ordinary	rarely	به ندرت
location	محل، مکان، موقعیت	page	rather than	به جای
lots of work	کار زیاد	pain	really	واقعاً
louder	با صدای بلند تر	pancake	reason	دلیل
lovely	زیبا، از روی عشق	parent	receive	دریافت کردن
loving	عاشقانه، دوست داشتنی	parrot	record	ثبت کردن
lovingly	به طور عاشقانه ای	pass	refer to	اشاره داشتن به
lower	کم کردن، پایین آوردن	passive voice	regard	در نظر گرفتن
main idea	ایده اصلی	pause	religious education	آموزش مذهبی
make a mistake	اشتباه کردن	peaceful	repeatedly	به طور مکرر
match	تطبیق دادن، مسابقه	Persian Gulf	replace	جایگزین کردن
meal	وعده ی غذایی	physician	reply	جواب دادن
meaningful	پر معنی	pigeon	respect	احترام کردن
medical center	مرکز پزشکی	pink	responsibility	مسئولیت
medicine	دارو، رشته پزشکی	poet	result	نتیجه
memory	خاطره، یاد، حافظه	poetry	robber	دزد، سارق
mention	ذکر کردن، گفتن	point	role	نقش
microwave	مایکرو ویو، ریز موج	polite	same	یکسان، همانند
moral	اخلاق، اخلاقی	politely	scientist	دانشمند
mostly	اکثراً، عمدتاً	poor	score	نمره
native speaker	گویشور بومی زبان	positive	second time	بار دوم
necessary	لازم، ضروری	possible	select	انتخاب کردن
nice time	وقت خوش	practice	sense	حس
no matter	اهمیت ندارد	prefer	serious	جدی
no surprisingly	تعجبی ندارد	principle	share with	به اشتراک گذاشتن با
normal	به طور طبیعی	process	shout at sb	سر کسی داد زدن
note	یاد داشت، نکته	product	sick	بیمار، مریض
on the other hand		project		

واژگان درس اول کتاب زبان دوازدهم – صفحه ۴

signal	علامت دادن، سیگنال	teenager	نوجوان، جوان	whereby	که به وسیله آن
similar activity	فعالیت مشابه	tense	زمان فعل	willing	مشتاق، علاقه مند
simple sentence	جمله ساده	terrible	وحشتناک	with regards to	با توجه به
sing	آواز خواندن	text	متن	within	در ، درون
skim	پیمایش سریع متن	textbook	کتاب درسی	without	بدون
smart phone	تلفن هوشمند	the rest	بقیه	wonderful	شگفت انگیز، جالب
so	بنابر این ، زیاد	then	سپس	zoo	باغ وحش
society	جامعه	think about	فکر کردن در مورد		
sofa	مبل ، راحتی	third time	بار سوم		
solution	راه حل	thought	اندیشه، فکر		
son	پسر	through	از راه ، از طریق		
sound	به نظر رسیدن	thus	بنابر این		
spare no pain / effort	از هیچ کوششی فروگذار نکردن	times	دفعه، بار		
starter	آغاز کننده	title	عنوان، تیتراژ		
stay	ماندن	too	زیاد، همچنین		
steal	دزدیدن	tool	ابزار ، وسیله		
step	گام، مرحله ، قدم	toy	اسباب بازی		
strategy	راهبرد، سازوکار	translate	ترجمه کردن		
strength	قدرت	TV series	سریال تلویزیونی		
strong wind	باد شدید	uncertainty	عدم اطمینان		
subject	موضوع ، نهاد جمله	uncle	عمو، دایی		
success	موفقیت	unconditionally	بدون شرط، قطعی		
successful	موفق	underline	زیر کلمه ای خط کشیدن		
successfully	به طور موفقیت آمیزی	university professor	استاد دانشگاه		
such	چنین	unnatural	غیر طبیعی		
suddenly	ناگهان	unreal	غیر واقعی		
suggest	پیشنهاد کردن	value	ارزش		
suitable	مناسب	vase	گلدان		
tag question	دنباله سوالی	village	روستا		
take a rest	استراحت کردن	way	راه، روش		
take care of	مراقبت کردن	wear	پوشیدن		
take temperature	درجه حرارت را گرفتن	weather	آب و هوا		
technology	فن آوری	weave	بافتن		

واژگان درس دوم کتاب زبان دوازدهم – صفحه ۱

abbreviation	اختصار، خلاصه	be taken from	گرفته شده از	consider	مورد توجه قرار دادن
absent	غایب	behind	پشت ، عقب	contain	دارا بودن، در بر داشتن
access	دستیابی ، دسترسی	below	زیر، پایین	convert	تبدیل کرن
accident	حادثه، تصادف	bilingual	دو زبانه	cook	پختن ، آشپزی کردن
according to	مطابق با	biography	زندگی‌نامه	correct	درست ، صحیح
achieve	رسیدن، موفق شدن	bite	گاز گرفتن، نیش زدن	correctly	به درستی
action	عمل، اقدام	bodies of salt	منابع نمک	crops	محصولات کشاورزی
addiction	اعتیاد	bodies of water	منابع آب	crowded	پر جمعیت، شلوغ
advanced	پیشرفته	bold	درشت ، تیره	culture	فرهنگ
aid	کمک کردن، کمک	bored	کسل	dangerous	خطرناک
allow	اجازه دادن	borrow	قرض کردن	database	مرکز داده ها
alphabetical order	به صورت الفبایی	break	شکستن، استراحت	decide	تصمیم گرفتن
although	اگرچه ، هرچند	building	ساختمان	design	طراحی کردن، طرح
ancient times	زمان های باستان	capital letter	حرف بزرگ	destroy	نابود کردن، از بین بردن
ant	مورچه	catch	گرفتن، رسیدن	details	جزئیات
anthill	مور تپه	cause	سبب شدن	device	دستگاه ، ابزار
antonym	متضاد	century	قرن	direct access	دسترسی مستقیم
appear	به نظر رسیدن، ظاهر شدن	choose	انتخاب کردن	directly	مستقیماً
arrange	مرتب کردن	circle	دایره، دایره کشیدن	disconnect	قطع کردن
arrangement	ترتیب ، نظم	claim	ادعا کردن	unsystematically	به طور غیر منظمی
art	هنر	clear	واضح ، صاف	disconnection	قطع، گسیختگی
astronaut	فضانورد	collect	جمع آوری کردن	drought	خشکی، خشکسالی
at least	حداقل	colony	گروه، دسته ، مستعمره	earn	به دست آوردن
at the beginning of	در آغاز	combination	ترکیب، ادغام	effect	اثر، تاثیر
attack	حمله کردن	commercial	تجاری، بازرگانی	effectively	به طور موثری
attractive	جذاب	communicative	ارتباطی	element	عنصر ، عامل
available	در دسترس	compare	مقایسه کردن	elementary	ابتدایی، مقدماتی
average	معدل ، متوسط	compile	جمع آوری کردن	endanger	به خطر انداختن
avoid	اجتناب کردن	complete	کامل کردن	enough	کافی
be familiar with	آشنا بودن با	complicated	پیچیده، سخت	enter	وارد شدن
be grouped together	با هم دسته بندی شدن	conditional sentence	جمله شرطی	entry	مدخل، ورودی، واژه
be surrounded by	احاطه شدن با	confusing	گیج کننده	essential	اساسی، اصلی
		connect	وصل شدن، مرتبط کردن	etc.(etcetera)	و غیره
		connection	ارتباط	even	حتی
				everywhere	هرجا

واژگان درس دوم کتاب زبان دوازدهم – صفحه ۲

exact	دقیق	huge	عظیم، بسیار بزرگ	look up	دنبال واژه گشتن
exclamation point	علامت تعجب	identify	شناسایی کردن	loss	ضرر، ازدست دادن
exist	وجود داشتن	imaginary	وهمی، تخیلی	louder	با صدای بلند تر
expand	گسترش دادن	imagination	تصور، تخیل	magnet	آهن ربا
explain	توضیح دادن	immediate	فوری، آنی	magnify	درشتنمایی کردن
explanation	توضیح	immediately	فوراً، بلافاصله	magnifying glass	ذره بین
expression	بیان، اصطلاح	in fact	به واقع، در حقیقت	mean	منظور داشتن، معنی دادن
far away from	خیلی دور از	include	شامل شدن	meaning	معنا، مفهوم
fat	چاق، چربی	incomprehensible	غیر قابل فهم	meet the needs	بر آوردن نیازها
figure out	فهمیدن، دریافتن	increasingly	به طور افزایشی	middle	وسط، میان
firefighter	آتش نشان	infection	عفونت، بیماری	minor	کمتر، فرعی
fix	تعمیر کردن	inner	درونی، داخلی	monolingual	تک زبانه
floor	کف زمین	insect	حشره	mostly	عمدتاً، اصلاً
for instance	به طور مثال	inside	درون، داخل	nearly	تقریباً
foreign	خارجی	instead of	به جای	neat	مرتب، تمیز
forest	جنگل	entire	همه، کل	next door	بغل، همسایه
format	چارچوب، قالب	intermediate	میان، متوسط	ocean	اقیانوس
free	آزاد، مجانی	international	بین المللی	offer	پیشنهاد کردن
fun	تفریح، سرگرمی	introduction	مقدمه	opinion	نظر، عقیده
general idea	ایده کلی	invisible	غیر قابل دیدن، نامرئی	opposite	متضاد، مخالف
generally	عموماً، کلاً	issue	مسئله، مورد	order	نظم، سفارش دادن
gift	کادو، هدیه	keep oneself to oneself	به تنهایی سر کردن، از دیگران دوری کردن	organize	سازماندهی کردن
go back	برگشتن	key point	نکته ی اصلی	origin	اصل، منشاء
goods	کالا	lake	دریاچه	originally	اصالتاً
guide	راهنمایی کردن، راهنما	land	زمین، خشکی	ostrich	شتر مرغ
guy	شخص، مرد، یارو	let's (let us)	بیایید	painful	دردناک
habit	عادت	letter	نامه، حرف الفبا	part	قسمت، بخش
hardworking	پرتلاش	level	سطح	part of speech	نوع کلمه
harmful	مضر	lie (lying, lay, lain)	دراز کشیدن	particular	خاص، مخصوص
have sth in common	دارای مشترکات بودن	lie (lying, lied, lied)	دروغ گفتن	passenger	مسافر
heavily	شدیداً	liquid	مایع	pattern	الگو، طرح
highlight	برجسته کردن، نشاندار کردن	look for	جستجو کردن	PC	رایانه شخصی
host	میزبان			period	نقطه، دوره ی زمانی
				phrase	عبارت
				plus	به علاوه

واژگان درس دوم کتاب زبان دوازدهم - صفحه ۳

pocket	جیب، جیبی	situation	موقعیت، وضعیت	throughout	همه، سراسر
poem	شعر	skill	مهارت	thus	بنابر این
poetry	شعر، ادب	skillful	ماهر	time machine	ماشین زمان
pollution	آلودگی	smart	هوشمند، زیرک	tiny	ریز، کوچک
prefix	پیشوند	snake	مار	tip	نکته
preposition	حرف اضافه	social	اجتماعی	topic sentence	جمله موضوع
present	حاضر، هدیه	sometimes	گاهی	translate	ترجمه کردن
primarily	ابتدائاً، عمدتاً	special	خاص	transmit	انتقال دادن
probably	احتمالاً	spelling	هجّی، املا	treasure	گنج
pronunciation	تلفظ	spend	گذرانیدن، خرج کردن	try	سعی کردن، امتحان کردن
provide sb with sth	برای کسی چیزی را فراهم کردن	sports	ورزش	type	نوع، گونه
publish	منتشر کردن	stand for	جای چیزی بودن، نمایندگی کردن	unchangeable	غیر قابل تغییر
purpose	هدف، مقصود	station	ایستگاه	unexpectedly	به طور غیر منتظره ای
question mark	علامت سوال	stick	چسبیدن	unknown	ناشناخته
quit	رها کردن، دست کشیدن	still	هنوز	useful	مفید
quite	کاملاً، نسبتاً	style	سبک، شیوه	user	کاربر
read sb's mind	ذهن کسی را خواندن	successful	موفق	valuable	ارزشمند
recognize	تشخیص دادن	suddenly	ناگهان	vibration	ارتعاش، لرزش
recommend	توصیه کردن	suffer from	رنج بردن از	volume	حجم، جلد
reference book	کتاب مرجع	suffix	پسوند	waterway	آبراه
relate to	مرتبط بودن با	suggest	پیشنهاد کردن	weather	آب و هوا
relationship	ارتباط	suitable	مناسب	web browser	مرورگر شبکه
relative clause	عبارت موصولی	superhuman	فرا بشری	whatever	هر چه
report	گزارش، گزارش کردن	support	پشتیبانی کردن	whenever	هر وقت
reproduce	تولید مثل کردن	suppose	گمان کردن	whereas	اما، در صورتی که
republic	جمهوری	sweet	شیرین، شیرینی	wherever	هرجا
resource	منبع	symbol	نماد، سمبل	while	اما، در صورتی که
scale	مقیاس، اندازه	take note	یادداشت کردن	widely	به طور گسترده ای
scavenger	لاشخور	technical	فنی	wing	بال
search for	جستجو کردن	technique	فن، روش	wingless	بدون بال
section	قسمت، بخش	term	واژه، اصطلاح	wisely	عاقلانه
several times	چندین بار	the same	همان، یکسان	wish	آرزو، خواستن
shape	شکل، شکل دادن	therefore	بنابر این	wonder	از خود پرسیدن
shark	کوسه	through	از راه، از طریق	work out	تمرین کردن، موثر بودن

واژگان درس سوم کتاب زبان دوازدهم – صفحه ۱

ability	توانایی	call	نامیدن	cross out	حذف کردن، از دور خارج کردن
absence	غیبت	catch (a) cold	سرد شدن، سرما خوردن	danger	خطر
absorb	جذب کردن	certain	معین، خاص، مطمئن	date	تاریخ، خرما
according to	بر طبق	character	ویژگی، شخصیت	deal with	سر و کار داشتن، مدیریت کردن
achieve	رسیدن به، دستیابی	charge	شارژ کردن، هزینه	delivery	توزیع، پخش، تحویل
action	اقدام، عمل	china plate	بشقاب چینی	demand	تقاضا کردن، تقاضا
activity	فعالیت	classmate	همکلاسی	digest	هضم کردن، خلاصه
actually	واقعاً	clean energy	انرژی پاک	disability	ناتوانی
advice	نصیحت، توصیه	client	مشتری، موکل	distance	فاصله، مسافت
air conditioner	دستگاه تهویه	cloth	لباس، پارچه	document	سند، مدرک
alternative	گزینه، جایگزین	clue	نشانه، سرنخ	dread	ترسیدن، ترس
amount	مقدار	coal	ذغال	economy	اقتصاد، صرفه جویی
ancient	باستانی، قدیمی	collector	جمع آوری کننده	electric car	خودروی برقی
anger	خشم، عصبانیت	come on	زود باش، عجله کن	electricity	برق، الکتریسیته
another	دیگر، دیگری	come up with	کشف کردن، یافتن	engine	موتور
apologize for	غذخواستگی کردن برای	community	جامعه، اجتماع	enough	کافی، بس
apply for a job	تقاضای شغل دادن	compare	مقایسه کردن	environment	محیط زیست
around	اطراف، حدوداً	component	جزء، مؤلفه	equivalent	برابر، معادل
as a result of	در نتیجه ی	conclude	نتیجه گیری کردن	especially	مخصوصاً
as well	همچنین	concluding sentence	جمله ی نتیجه	factory	کارخانه
at birth	هنگام تولد	confusing	گیج کننده	fall asleep	به خواب رفتن
atmosphere	جو، اتمسفر	consider	در نظر گرفتن	falling water	آبشار
baby	نوزاد، کودک	consist of	متشکیل شدن از	fan	پنکه، باد بزن
background	زمینه، سابقه	constantly	دائماً، پیوسته	fantastic	خارق العاده، خیالی
balcony	ایوان، بالکن	consume	مصرف کردن	feather	پر
barbecue	کباب خوری	convert into sth	تبدیل شدن به	figure	عدد، رقم، شکل
BC (Before Christ)	پیش از میلاد حضرت مسیح	cook (v,n)	آشپز، پختن	fill	پر کردن
be worried about	نگران چیزی بودن	cool (v,adj)	خنک، خنک کردن	finally	سرانجام
benefit	امتیاز، مزیت	cooperate	همکاری کردن	find out	یافتن، متوجه شدن
blow	وزیدن، دمیدن	correct	درست، تصحیح کردن	fitness	تناسب اندام
broth	سوپ، آبگوشت	cost	هزینه، ارزش داشتن	flashlight	چراغ قوه
building	ساختمان، بنا	count	حساب کردن	flock	رَمه، گروه، گرد آمدن
burn (burnt)	سوزاندن، سوختن	counterpart	همتا، معادل	fly (flew, flown)	پرواز کردن
		create	خلق کردن، ساختن		

واژگان درس سوم کتاب زبان دوازدهم - صفحه ۲

fond	مشتاق، علاقه مند	kite	بادبادک	organic	طبیعی، اصلی، آلی
forever	برای همیشه	landfill	محل دفن زباله	outlet	خروجی، پریز
form	تشکیل دادن	last	آخر، طول کشیدن	overcome	غلبه کردن
formula	فرمول	lead to	منجر شدن به	pay	پرداختن
fossil fuel	سوخت فسیلی	leader	رهبر	perfect	کامل، بی نقص
future generation	نسل بعدی	LED light bulb	لامپ برق ال ئی دی	Persia	ایران
gadget	دستگاه، ابزار	less	کمتر	planet	سیاره
garbage	زباله، آشغال	light (v,n,adj)	روشن کردن، روشنایی، سبک	plug in	به برق وصل کردن
gasoline	بنزین	like	مثل	Pluto	سیاره پلوتون
charity	کار خیر	likelihood	احتمال	Solar System	منظومه شمسی
get familiar with	آشنا شدن با	liquid fuel	سوخت مایع	pollute	آلوده کردن
get ready	آماده شدن	load	بار، بارگذاری کردن	portable	قابل حمل، سبک
gift	هدیه، کادو	local	محلی، بومی	power	قدرت، انرژی
give off	منتشر کردن، بیرون دادن	lower	کم کردن، پایین آوردن	practical	عملی، کاربردی
goal	هدف	machine	دستگاه، ماشین	principal	اصلی، مدیر
gradually	تدریجاً، به تدریج	magic	جادویی، سحر آمیز	proverb	ضرب المثل
hand washing	شستن با دست	main	اصلی، مهم	racehorse	اسب مسابقه
harm	صدمه، آسیب زدن	margin	حاشیه	radiation	انتشار، تشعشع
harmful	مضر	material	ماده، جنس	reach	رسیدن
hatch	از تخم در آمدن	Mercury	سیاره عطارد	reason	دلیل
heartbeat	ضربان قلب	mind	ذهن، خاطر	recent	اخیر، جدید
herd	گله، رمه، جمع شدن	monitor	کنترل کردن، صفحه	reduce	کاهش دادن
highway	بزرگراه	نمایش		regular	منظم
however	هرچند	mouth	دهان	remember	به یاد آوردن
hybrid car	خودروی ترکیبی	namely	یعنی، به نام	remind	یاد آوری کردن
hydropower	تولید انرژی با آب	natural	طبیعی	remote-controlled car	خودروی کنترلی از راه دور
illness	بیماری	Neptune	سیاره نپتون	renewable	تجدید پذیر
inform	اطلاع دادن	next to	کنار، نزدیک	repeat	تکرار کردن
introduce	معرفی کردن	no longer	دیگر	replace	جایگزین کردن
job	کار، شغل	nobody	هیچکس	require	نیاز داشتن
joint	مفصل	nonrenewable	تجدید ناپذیر	review	مرور کردن
Jupiter	سیاره مشتری	nowadays	امروزه	revolve	چرخیدن، دور زدن
kinetic	جنبشی، حرکتی	obey	اطاعت کردن	if	اگر، که آیا
mechanical power	انرژی مکانیکی	oil resources	منابع نفتی	rich	غنی، ثروتمند
		on the basis of	بر اساس		

واژگان درس سوم کتاب زبان دوازدهم - صفحه ۳

river	رودخانه	take photograph	عکس انداختن	yard	حیات
roll	غلتیدن، دَوَران کردن	take sth in	جذب کردن چیزی		
roof	سقف، پشت بام	take the place of	جای چیزی را گرفتن		
run	راه اندازی کردن	therefore	بنابر این		
running water	آب جاری	thus	بنابر این		
heat (v,n)	گرم کردن، گرما	tide	جذر و مد		
Saturn	سیاره زُحل	together	با همدیگر		
save	ذخیره کردن، نجات دادن	traffic rules	مقررات راهنمایی رانندگی		
select	انتخاب کردن	truck	کامیون		
separate	جدا کردن، مجزا	turbine	توربین		
shelf	قفسه	turn	چرخیدن		
shiny panel	صفحه ی براق	unit	واحد، دستگاه		
sight	بینایی، دید	until	تا زمانی که		
sign	علامت، امضا کردن	upset	ناراحت، افسرده		
since then	از آن زمان به بعد	Uranus	سیاره اورانوس		
snack	خوراکی مختصر	use up	مصرف کردن		
solar power	انرژی خورشیدی	vacuum cleaner	جارو برقی		
space station	ایستگاه فضایی	valuable	ارزشمند		
special	خاص	variety	تنوع، تغییر		
spoil	فاسد شدن، خراب کردن	Venus	سیاره زهره		
stable	پایدار، طویل	Mars	سیاره مریخ		
stone	سنگ	videophone	تلفن تصویری		
store	ذخیره کردن، فروشگاه	visible	مرئی، قابل دیدن		
stove	اجاق خوراک پزی	voluntary	داوطلبانه		
string light bulb	لامپ برق رشته ای	wait	منتظر ماندن		
strong	قوی	warn	هشدار دادن		
structure	سازه، ساختار	waste	هدر دادن، چیز زائد		
succeed	موفق شدن	weigh	وزن داشتن		
such as	از قبیل	well-known	معروف		
suitcase	چمدان	wheel	چرخ		
sunshine	تابش خورشید	whether	خواه...خواه، که آیا		
supply sb with sth	برای کسی چیزی فراهم کردن	while	زمانی، اما		
surround	احاطه کردن	wind	باد		
swimming pool	استخر شنا	wind tower	برج بادی، بادگیر		
		worm	کرم		